



Path Analysis of Achieving Exclusive Marital Commitment Through a Dedicated Psychophysical Space for Couples with Emphasis on the "Istidhan" Verse *

Jafar Houshyari¹ and Hasan Taqiyan²

Abstract



This study aims to present a Quranic model for achieving exclusive marital commitment through the provision of a dedicated psychological-physical space, mediated by marital boundary components. The research method is descriptive and correlational. The statistical population consists of married men and women in the city of Qom. From this population, a sample of 210 individuals was selected through convenience sampling, and they responded to the Marital Boundaries Awareness Questionnaire. Data were analyzed using path analysis. The findings indicate that ensuring a dedicated psychological-physical space for spouses—through the fulfillment of components such as confidentiality, sexual and non-sexual interactions, and mutual expectation boundaries—can lead to the establishment of exclusive marital commitment. The study results reveal that the exogenous variables in the model account for 52% of the variance in exclusive marital commitment. The research concludes that counselors and family therapists should assess the quality of their clients' dedicated psychological-physical space and address any potential marital boundary issues accordingly.

Keywords: Quran, Marital Commitment, Marital Boundaries, Psychological-Physical Space, Verse of Istizan, Marital Boundary.

*. **Date of Receiving:** 25/04/2024, **Date of Revised:** 01/01/2025, **Date of Approving:** 01/01/2025.

1. Assistant Professor and Faculty Member, Department of Psychology, Al-Mustafa International University. j.houshyari@yahoo.com.

2. Assistant Professor and Faculty Member, Department of Psychology, Al-Mustafa International University. j.houshyari@yahoo.com.



تحلیل مسیر تعهد خاص زناشویی از طریق فضای روانی - فیزیکی اختصاصی زوجینی با تاکید بر آیه «استیدان»*

جعفر هوشیاری^۱ و حسن تقییان^۲



چکیده

این پژوهش با هدف ارائه مدل قرآنی دستیابی به تعهد خاص زناشویی از طریق تأمین فضای روانی-فیزیکی اختصاصی با واسطه مؤلفه‌های مرز زوجینی انجام شده است. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را مردان و زنان متأهل شهر قم تشکیل داده‌اند. از جامعه مذکور، ۲۱۰ نمونه به صورت در دسترس انتخاب شده و به پرسشنامه مرزهای زوجینی هوشیاری پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل شد. نتایج تحقیق نشان داد تأمین فضای روانی-فیزیکی اختصاصی زوجین از مسیر تأمین مؤلفه‌های رازداری، تعاملات جنسی و غیرجنسی و حدود انتظارات دوسویه می‌تواند منجر به ایجاد تعهد خاص زناشویی شود. یافته‌های تحقیق نشان داد متغیرهای برونزای مدل توانسته‌اند ۵۲ درصد از واریانس متغیر تعهد خاص زناشویی را تبیین کنند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد لازم است مشاوران و خانواده‌درمانگران ضمن بررسی کیفیت فضای روانی-فیزیکی اختصاصی مراجعان، نسبت به اصلاح اشکالات احتمالی زوجین در این مرز اقدام نمایند.

واژگان کلیدی: تعهد خاص زناشویی، فضای روانی-فیزیکی اختصاصی، آیه استیدان، مرزهای زوجینی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۶، تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰.

۱. استادیار و هیئت علمی گروه روانشناسی جامعه المصطفی ص العالمیة، j.houshyari@yahoo.com.

۲. استادیار و هیئت علمی گروه روانشناسی جامعه المصطفی ص العالمیة، Hasan_Taqiyan@miu.ac.ir.



مقدمه

خانواده و مرزهای آن از موضوعات مهم روان‌شناسی خانواده است و از دیرباز مورد توجه پژوهشگران این حوزه بوده است. تمام نظریات حوزه خانواده به مسئله ساختار و مرزهای خانواده توجه داشته‌اند، اما رویکرد سیستمی بیش از سایرین به آن پرداخته است (نیکولز و شوارتز، ۲۰۰۴: ترجمه دهقان و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۹-۲۵).^۱ نظریه سیستمی خانواده شامل مدل‌های فراوانی است، از جمله: مدل استراتژیک جی‌هی‌لی^۲ (۱۹۷۷)، مدل دورنمای چند نسلی بوژومنی-نگی^۳ (۱۹۷۸)، سبیرنتیک^۴ درجه دوم و مانند آن (شلیپه و شوایتزر: ترجمه پیرمرادی، ۱۳۹۵: ۳۶). یکی از رویکردهایی که ساختار و مفاهیم خاصی برای خانواده ارائه کرد، رویکرد ساخت‌نگر بود که توسط مینوچین^۵ (۱۹۷۷) پزشک روان‌کاو آمریکایی در فیلادلفیا پایه‌گذاری شد (زیمون و همکاران: ترجمه پیرمرادی، ۱۳۸۲: ۳۷). رویکرد ساخت‌نگر به دلیل تأکید بر بافت خانواده در تکوین مسائل و یافتن راهکارهای درمانی، با سایر رویکردهای خانواده، اشتراک دارد (کولاپنتو، ۱۹۹۱: ۵۴). نقطه تمایز مدل مینوچین، بیان اهمیت ساختار و مرزهای خانواده است (شلیپه و شوایتزر: ترجمه پیرمرادی، ۱۳۹۵: ۳۶)، تا جایی که خانواده‌درمانگران ساخت‌نگر را «مرز‌ساز» می‌خوانند (مینوچین، ۱۹۷۴: ترجمه ثنایی، ۱۳۹۶: ۳۲۸).

بر اساس نگاه سیستمی، خانواده ساختار و منظومه‌ای است که شامل «زیرمنظومه‌ها» و «مرزها» می‌باشد. ساختار خانواده، شیوه‌های مرادده بین اعضای خانواده را شکل می‌دهد. شیوه‌های تعامل، الگوهایی به وجود می‌آورند، مبنی بر اینکه چگونه، چه زمان و با چه کسی رابطه برقرار شود. این

۱. برای مشاهده نمای کلی تاریخچه تحقیقات خانواده از سال ۱۹۴۵ هم‌زمان با پایان جنگ جهانی دوم تا سال ۲۰۰۵، مراجعه نمایید به: (نیکولز و شوارتز، ۲۰۰۴، خانواده‌درمانی؛ مفاهیم و روش‌ها، ترجمه محسن دهقان و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۹-۲۵).

2. Jay Haley.

3. Boszormenyi-Nagy.

۴. استعاره سبیرنتیک درباره خانواده‌ها به این معناست که چگونه خانواده‌ها در چرخه‌های تکراری رفتار بی‌حاصل گیر می‌افتند؛ سبیرنتیک به بررسی علمی فرایندهای سیستمی می‌پردازد که دارای ماهیت و طبیعت گوناگون می‌باشند. سبیرنتیک درجه اول درباره سیستم و رفتار آن اظهار نظر عینی می‌کند اما سبیرنتیک درجه دوم یا سبیرنتیک سبیرنتیک، سیستم را مشکل از سیستم مورد مشاهده و مشاهده‌گر ارزیابی می‌کند؛ (زیمون، مفاهیم و تئوری‌های کلیدی در خانواده، ترجمه سعید پیرمرادی، ۱۳۸۲: ۲۵۱).

5. Salvador Minuchin.

الگوها، زیربنای سیستم و «زیرمنظومه‌ها» را تشکیل می‌دهند (شلیپه و شوایتزر: ترجمه پیرمرادی، ۱۳۹۵: ۳۶). «مرز» دومین مؤلفه ساختار خانواده است. مرزها خطوط فرضی هستند که افراد را از نظر روانی تفکیک کرده و در خدمت حفظ و پیشبرد، تمایز و یکپارچگی کل خانواده و تک تک اعضای آن قرار دارند (مینوچین، ۱۹۷۴: ترجمه ثنایی، ۱۳۸۶: ۲۴۳؛ تبریزی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۹). در نظام خانواده، مرزها امری روان‌شناختی است و به اموری مانند روابط کلامی و غیرکلامی میان افراد و موضوعات عاطفی مربوط می‌شود (زیمون و همکاران: ترجمه پیرمرادی، ۱۳۸۲: ۸۶).

بر اساس این رویکرد، خانواده دارای دو نوع مرز کلی درونی و بیرونی است (نیکولز و شوایتزر، ۲۰۰۶: ترجمه دهقان، ۱۳۸۹: ۱۸۳). روان‌شناسان ساخت‌نگر، مانند مینوچین (۱۹۷۴) و جی‌هی‌لی (۱۹۷۶)، وجود مرزهای شفاف و تصریح‌شده خانوادگی را از ضروریات کارآمدی خانواده و مرزهای نامشخص یا انعطاف‌ناپذیر را از عوامل اختلال کارکرد خانواده دانسته‌اند و خانواده‌های به‌هم‌تیده و گسسته را ناکارآمد می‌دانند (زیمون و همکاران: ترجمه پیرمرادی، ۱۳۸۲: ۲۳۵).

این رویکرد بر اساس تعریف خود از خانواده و ارکان آن، معیارهای عملکردی تعیین کرد و وظیفه خود را سوق دادن خانواده‌ها از وضعیت غیرعملکردی به وضعیت کارآمدی اعلام نمود. قالب‌های پیشنهادی تا حدودی مقبولیت داشته و امروزه از آن در تشخیص و درمان خانواده استفاده می‌شود. اما آنچه از سوی صاحب‌نظران مورد انتقاد جدی قرار گرفت و در کنار وابسته به فرهنگ بودن تعریف خانواده و ارکان آن، زمینه شکل‌گیری پژوهش‌های بسیاری شد؛ صلاحیت تعیین مرز، محتوای آن قالب‌ها، کمیت و کیفیت آن‌ها و معیارهای سنجش عملکرد خوب و بد بود. از سوی دیگر، رویکرد ساخت‌نگر وظیفه خود را سوق دادن خانواده‌ها به وضعیت کارآمدی اعلام نمود، اما اینکه چه کسی توان و صلاحیت تعیین معیارهای عملکرد را دارد؟ چه معیارهایی را می‌توان تعیین کرد که برآیند این توافقات اجتماعی نباشد؟ از چالش‌های دیگر این رویکرد بودند (شلیپه و شوایتزر: ترجمه پیرمرادی، ۱۳۹۵: ۳۶).

از دیگر سو، خانواده و مسائل مرتبط با آن از مهم‌ترین تعالیم ادیان آسمانی است. اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین، بر تشکیل خانواده و رفعت جایگاه آن تأکیدهای فراوانی دارد تا جایی که هیچ بنایی را محبوب‌تر از آن در نزد خدا نمی‌داند.^۱ مهم‌ترین متن دینی ما، یعنی قرآن کریم، سرشار از

۱. عن الصادق (عليه السلام): «تَرَوْجُوا وَ زَوْجُوا... مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ بَيْتٍ بُعِمَرَّ فِي الْإِسْلَامِ بِالنِّكَاحِ» (حرعاملی،



توصیه‌های کارآمد در باب خانواده از جمله مرزهای آن است. مرزهای خانواده به معنای: محدوده رفتار و چگونگی برقراری روابط اعضای خانواده و کیفیت و کمیت دوری و نزدیکی اعضای خانواده با یکدیگر و با سایرین می‌باشد (افشاری نژاد و همکاران، ۱۳۹۳). خانواده در نگاه قرآن، منظومه‌ای مقدس و دارای حدود و مرزهای واقعی با جعل الهی است؛ که همان اوامر، نواهی و رخصت‌های الهی‌اند که با هدف تنظیم کارکرد و تعالی خانواده و اعضای آن بیان شده‌اند (هوشیاری و صفوری، ۱۳۹۷: ۴۶-۳۵).

قرآن کریم به تعاملات درونی خانواده توجه ویژه‌ای دارد و کیفیت و کمیت ارتباط‌های درون خانوادگی را بیان کرده است. قوانینی که چارچوب نقش‌ها، مسئولیت‌ها و حریم‌های خصوصی را معین می‌کند. مرزهای درونی به صورت‌های مختلف خانواده را سامان و انتظام می‌بخشد: ۱. با ایجاد چند زیرمنظومه در خانواده و تعیین میزان و چگونگی تعاملات اعضا و مراتب قدرتمندی موجب نظام‌مندی خانواده می‌گردد؛ ۲. با برجسته‌سازی زیرمنظومه همسران به عنوان رکن سلامت و تکامل خانواده اجرای ویژه نقش‌های آن را تسهیل می‌نماید. بنابراین، زیرمنظومه همسران در اندیشه قرآنی جایگاه ویژه‌ای دارد، از این رو حجم بالایی از آموزه‌های قرآنی خانواده به این زیرمنظومه ارتباط دارد (همان: ۵۰).

قرآن با تعیین ابتدا و انتهای انتظارات اعضا از یکدیگر و کنترل مرزهای اطلاعاتی خانواده زمینه‌های آرامش فردی را فراهم آورده و در درون خانواده برای هر فرد و زیرمنظومه حریمی معین و سایرین را به حفظ آن ملزم کرده است. گستره انتظارات متقابل همسران، والدین و فرزندان و برادران-خواهران از یکدیگر را مشخص کرده تا بدانند در تعامل با یکدیگر تا چه حدی می‌توانند پیش بروند. یکی از زیرمنظومه‌هایی که قرآن کریم مرزهای آن را بیان کرده است، مرزهای زیرمنظومه زوجینی است. مرزهای زوجینی یعنی قوانین الزامی و غیر الزامی اسلامی ناظر به تعاملات زوجین با یکدیگر که عبارت‌اند از: تعهد خاص زناشویی، فضای روانی-فیزیکی اختصاصی، حدود تعاملات جنسی زوجین، حدود تعاملات غیر جنسی زوجین، رازداری زناشویی و حدود انتظارات دوسویه (هوشیاری و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۵).

در پژوهش حاضر با الهام از آیه استیدان،^۱ چنین برداشت می‌شود که دست‌یابی به تعهد خاص زناشویی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مرزهای زوجینی، از طریق فضای روانی-فیزیکی

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَصُبُّونَ مِيَّابَكُمْ مِنَ الظُّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ، ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ، لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ، طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (نور: ۵۸)

اختصاصی زوجینی ممکن خواهد بود. در این آیه، خدای تعالی به مؤمنین دستور داده است که فرزندان نابالغ و غلامان شما باید برای ورود به محل خلوت و استراحت شما در سه زمان از شبانه‌روز اجازه بگیرند. این بدان معناست که زوجین باید در شبانه‌روز با یکدیگر خلوتی داشته باشند که حتی کودکان نابالغ و غلامان نیز بدون اجازه حق ورود به آن را ندارند. بدین صورت، فضای روانی-فیزیکی اختصاصی زوجینی می‌تواند زمینه‌ساز تحقق رازداری، تنظیم تعاملات جنسی و غیرجنسی زوجین و برآورده شدن انتظارات دوسویه زوجینی گردد. در نهایت، مطلوبیت این مؤلفه‌ها می‌تواند تعهد زناشویی را در پی داشته باشد.

«تعهد خاص زناشویی» به معنای محدود کردن تعاملات عاطفی-جنسی به همسر قانونی، ممنوعیت عبور همسران از مرز رابطه زناشویی و وارد نکردن دیگران در رابطه عاطفی-جنسی می‌باشد. قرآن کریم تأکید کرده است که زوجین باید تنها با همسران خود رابطه عاطفی-جنسی داشته باشند،^۱ در این روابط از مرزهای شرعی تجاوز^۲ نکرده و مرتکب ارتباط‌های جنسی نامشروع و بی‌انگیز نشوند.^۳ محدود کردن روابط عاطفی-جنسی به همسر،^۴ وارد نشدن در دوستی‌های پنهانی با نامحرم،^۵ عدم برقراری رابطه جنسی با همجنس،^۶ نشکستن انحصار جنسی زوجینی حتی با تنوع‌طلبی حلال، وارد نشدن در حریم جنسی دیگران با نگاه، سخن و رفتار (زنا، چشم، دهان و دست)،^۷ خارج نشدن از حریم زوجینی حتی در فکر (فکر نکردن به روابط فرازناشویی؛ زنا، فکر)،^۸ محدود کردن خودآرایی به همسر،^۹ وارد نکردن دیگران در حریم عاطفی-جنسی زوجینی حتی در فکر (فکر نکردن به نامحرم در

۱. مؤمنون: ۵-۶؛ معارج: ۲۹-۳۰.

۲. ﴿وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ قَوْمٌ عَادُونَ﴾ (شعراء: ۱۶۶).

۳. پیامبر صلوات الله علیه و آله فرمود: زنا وارد هر خانه‌ای شود آن را ویران می‌کند (صدوق، ۱۳۶۲: ۳۹۸، مجلس: ۶۲).

۴. ﴿وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ﴾ احزاب: ۳۵؛ ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَفْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ، إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ...﴾ (مؤمنون: ۵-۶).

۵. (معارج: ۲۵).

۶. ﴿...وَلَا مَتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ﴾ نساء: ۲۵؛ ﴿وَلَا مَتَّخِذِي أَخْدَانٍ﴾ (مانده: ۵).

۷. ﴿أَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ (نمل: ۵۵).

۸. قال الصادق (عليه السلام): «فَرْنِي الْعَيْشِيْنَ النَّظْرَ وَرَنِي الْقِمَّ الْقَبْلَةَ وَرَنِي الْيَدَيْنِ اللَّمْسَ صَدَقَ الْفَرْجُ ذَلِكَ أَمْ كَذَّبَ» (كلینی، ۱۴۱۲: ۵۵۹/۵).

۹. قال الصادق (عليه السلام): «اجْتَمَعَ الْحَوَارِيُّونَ إِلَى عِيسَى فَقَالَ إِنَّ مُوسَى أَمْرَكُمْ أَنْ لَا تَزْنُوا وَأَنَا أَمْرَكُمْ أَنْ لَا تُحَدِّثُوا أَنْفُسَكُمْ بِالزَّانَا...» (مجلسی، ۳۳/۱۴: ۱۴۰۴).

۹. «نَهَى النَّبِيُّ ﷺ عَنْ أَنْ تَزْنَ لِعَبْرِ زَوْجِهَا فَإِنْ فَعَلَتْ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُحْرِقَهَا بِالنَّارِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/۲۱۲).



هنگام آمیزش با همسر) ^۱ همگی به دلیل اینکه تعیین کننده کمیت و کیفیت تعاملات زوجین با بیرون از حریم خصوصی همسران هستند، از جمله مؤلفه‌های مرز زوجینی به حساب می‌آیند. تأمین نسبتاً منظم و تثبیت شده نیازهای فطری همسران یا همان پیوند مطلوب عاطفی-جنسی و ترک روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج و مرزهای خانواده از مهم ترین عوامل ثبات خانواده به شمار می‌روند (بستان، ۱۳۹۲: ۶۹-۹۸). از این رو، اسلام بدون توجه به جنسیت، عنایت ویژه‌ای به حفظ عفت جنسی دارد و سخت‌ترین مجازات‌ها را برای جرایم جنسی در نظر گرفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۴۳۴/۱۴). بنابراین، به دلیل اهمیت مرزهای جنسی زیرمنظومه زوجینی، هرگونه تعدی از این حدود و نزدیک شدن به آن‌ها و حتی تعدی‌های جزئی و فکر کردن به آن‌ها نیز ممنوع شده است. ^۲ خروج هر یک از زوجین از مرزهای مذکور، به محبت و مودت متقابل آسیب جدی وارد می‌کند و زمینه را برای خیانت و تعدی طرف مقابل فراهم می‌سازد.

«رازداری زناشویی» به معنای بسته بودن مرزهای اطلاعاتی خانوادگی و زناشویی است. پنهانی بودن آمیزش جنسی همسران، ^۳ ممنوعیت افشای جزئیات روابط جنسی نزد دیگران، ^۴ حفظ حریم روانی-جنسی همسر و خودداری زوجین از ذکر زیبایی‌های نامحرم نزد همسر و همسر نزد نامحرم، ^۵ پوشیده ماندن تعاملات خصوصی همسران از جمله مرزهای زناشویی هستند. قرآن کریم این پوشانندگی جامع روانی-جنسی-اخلاقی را به زیبایی در «هُنَّ لِيَسَّ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَسَّ لِهِنَّ» بیان کرده است (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۵۷۸/۱۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۳۰۲/۲۴).

«حدود تعاملات غیر جنسی»: تمامی قوانین و آداب اخلاقی غیر الزامی تعاملات همسران می‌باشد. در قرآن کریم ^۱ از آن با اصطلاح «معاشرت معروف» در زمان تقاهم و «امساک به معروف» یا

۱. «يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعِ امْرَأَتَكَ بِشَهْوَةِ امْرَأَةٍ غَيْرِكَ»، «يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعِ أَهْلَكَ فِي شَهْوَةِ أُخْتِهَا» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۵۳/۲۰).
۲. بقره: ۱۸۷؛ «قَالَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ... أَنَا أَمْرُكُمْ أَنْ لَا تُحَدِّثُوا أَنْفُسَكُمْ بِالزُّنَا...» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۳۱/۱۴).
۳. قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «تَعَلَّمُوا مِنَ الْغُرَابِ ثَلَاثَ خِصَالٍ اسْتِنَاةً بِالسَّفَادِ» (صدوق، ۱۴۱۳: ۴۸۲/۱).
۴. «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ تُحَدِّثَ الْمَرْأَةُ بِمَا تَحُلُو بِهِ مَعَ زَوْجِهَا» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵۴/۱۴).
۵. عن الصادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «مَنْ وَصَفَ امْرَأَةً لِرَجُلٍ... فَأَصَابَ مِنْهَا فَاحِشَةً لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَغْضَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ» (دبلمی، ۱۴۰۸: ۴۱۶).
۶. ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (روم: ۲۱؛ فرقان: ۶۳، ۷۲)

«جدایی به معروف و احسان» در صورت تعارضات زناشویی یک و دو طرفه تعبیر شده است. انعطاف و نفوذپذیری در برابر همسر، همکاری در انجام وظایف و پایبندی به حدود اخلاقی تعامل با همسر از جمله مرزهای غیر جنسی زوجینی است. زوجین باید در همه حال، حتی در صورت وجود تعارضات زوجینی، با یکدیگر بر اساس معروف رفتار نمایند که به معنای تعامل بر اساس عقل، شرع و عرف می‌باشد (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲۳۲/۲ و ۴۰۵/۴؛ رشید رضا، ۱۳۰۳: ۳۷۴/۲).

«حدود انتظارات دو سویه»؛ به معنای گستره تعاملات همسران و محدوده انتظارات آنان از یکدیگر در رابطه با حقوق و تکالیف طرفینی است که شامل اعمال مدیریت و سرپرستی توسط مرد، پذیرش اقتدار و مدیریت مرد توسط زن، پایبندی مرد به حدود کیفی مدیریت خانواده، پایبندی زوجین به حدود اقتصادی طرفینی، حریم مشترک معنویت و دینداری و محافظت از آبرو و اموال همدیگر می‌شود. «حدود تعاملات جنسی زوجین» قوانین ناظر به کیفیت و کمیت تعاملات جنسی زوجین می‌باشد که عبارتند از پرهیز از روش‌های غیر متعارف آمیزش جنسی مگر با رضایت همسر، پایبندی به حدود زمانی، مکانی و کیفی آمیزش جنسی.^۱

«پایبندی به حقوق و تکالیف طرفینی» یکی از مرزهای درونی خانواده از جمله مرزهای زوجینی است که در رویکرد ساخت‌نگر به ایفای کامل آنها تصریح شده است (مینوچین، ۱۹۷۴: ۴۱، ۹۰، ۱۰۸). حقوق و تکالیف بدین جهت جزو مرزهای خانواده به حساب می‌آیند که تعیین‌کننده حدود رفتاری فرد در تعاملات بین فردی هستند. حقوق و تکالیف در واقع مشخص‌کننده گستره و محدوده رفتاری فرد می‌باشند. حقوق محدودده‌ای است که فرد می‌تواند تا آنجا از دیگران انتظار داشته باشد و

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «إِنَّمَا الْمَرْأَةُ لُغْبَةٌ مَنِ اتَّخَذَهَا فَلَا يُصَيِّعُهَا» (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۱۶۷/۲۰)؛ «سَأَلْتُ عَمَّنْ أَتَى جَارِيَتَهُ فِي دُبُرِهَا وَ الْمَرْأَةُ لُغْبَةٌ لَا تُؤَدَّى...» (جامع احادیث، ۴۷۸/۲۵)؛ «سئل عن إتيان النساء في أعجازهن فقال هي لعبتك لا تؤذيها» (فيض كاشاني، ۱۴۱۸: ۲۵۵/۱)؛ «إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمْ... لَمْ تَبْدَلْ كِتْبَدِلِ الرَّجُلِ» (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۲۹/۲۰)؛ «سَأَلَ عَنْ أَمَا الْحَسَنِ الرَّضَاعِ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ عِنْدَهُ الْمَرْأَةُ السَّائِبَةُ فَمَسِكَ عَنَّا... قَالَ إِذَا تَرَكَهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ كَانَ آثِمًا بَعْدَ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ يَأْذِنَهَا» (صدوق، ۱۴۱۳: ۴۰۵/۳)؛ «...فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَأَمَلِ مَعْلَقَةٍ...» (نسا: ۱۲۹)؛ قال ﷺ: «عَلَيْهَا أَنْ تَطَّيَّبَ بِأَطْيَبِ طَبِيبِهَا وَتَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا وَتُرَيَّزَ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا» (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۱۱۸/۱۴)؛ قال الباقر ﷺ: «لَا يُبْتَغَى لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُعْطَلَ نَفْسُهَا وَ إِنْ تَعَلَّقَتْ فِي عُنُقِهَا فَلَا دَمَ» همان: عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: «حَقُّ الرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ... أَنْ لَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ هَمَان، ...فَاعْتَرَلُوا النَّسَاءَ فِي الْمَحْبِصِ وَ لَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهَرْنَ...» (بقره: ۲۲۲)؛ «أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ...» (بقره: ۱۸۷)؛ «...لَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ...» (بقره: ۱۸۷)؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ رَجُلًا عَشِيَ امْرَأَتَهُ وَ فِي الْبَيْتِ صَبِيٌّ مُسْتَقِطٌ يَرَاهُمَا وَ يَسْمَعُ كَلَامَهُمَا وَ نَفْسُهُمَا مَا أَلْفَحَ أَبَدًا...» (كليني، ۱۳۶۵: ۵۰۰/۵).



تکالیف نیز محدوده‌کننده انتظارات دیگران از فرد است. از این رو، حقوق و تکالیف از مرزهای مهم تعاملات زوجینی است. چرا که بخشی از تعارضات زوجینی به دلیل عدم باورمندی به تفاوت‌های جنسیتی (نعیمی و کاظمیان، ۱۳۹۳: ۱-۲۳) و نقش آن در حقوق، تکالیف و نقش‌ها ایجاد می‌شود (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲/۲۷۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۲/۲۸۷).

یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم مرز زوجینی «فضای روانی-فیزیکی اختصاصی» یا «زمان و مکان اختصاصی» است که می‌توان از آن به‌عنوان حق طرفینی و زمینه تعاملات زناشویی پایا و مستمر یاد کرد. گرچه این مرز، داخل در حقوق مشترک زوجینی می‌باشد، اما به دلیل نقش عمده آن در دستیابی به اهداف ازدواج و پابندی به سایر مرزهای زیرمنظومه همسران، قرآن کریم به صورت ویژه به آن اشاره کرده است. دلالت التزامی آیه «استیدان» بیان‌کننده مؤلفه اساسی مرز زوجینی است که همسران به دلیل نیازمندی دوسویه به خلوت مستمر و منظم، باید مکان خواب، زمان خلوت و حریم روانی اختصاصی داشته باشند و دیگر اعضای خانواده ضمن احترام به این حریم خصوصی، در زمان‌های خاص بدون اجازه وارد آن نشوند.^۱ پابندی به این حریم و مرز روشن زوجین برای ارضای نیازهای عاطفی-جنسی، حصول حمایت‌های عاطفی طرفینی و همچنین تعاملات، تصمیم‌گیری‌ها و حل مشکلات خصوصی آنان ضروری است. چرا که دستیابی به آثار و برکات زوجیت؛ مانند آرامش و صمیمیت، پوشاندگی و شادمانی و رضایت^۲ در سایه چنین مرزی ممکن خواهد بود و عدم پابندی به آن، یکی از عوامل مهم گسست خانواده است (حبیبی و حاجی حیدری، ۱۳۹۴: ۱۶۵-۱۸۶).

بررسی تفاسیر بزرگ شیعه و اهل سنت نشان داد اکثریت قریب به اتفاق مفسران، ضرورت خلوت زوجین در سه وعده و وجود مرز بین آنان و فرزندان را به‌عنوان یک برداشت از آیه بیان نکرده‌اند، در حالی که بیان حکم سه وعده و عورت نامیدن آن به دلالت التزامی می‌رساند که زوجین دارای حریم خصوصی دو نفره هستند که مطلوب است حداقل سه وعده در شبانه‌روز در آن فضا قرار گیرند. بنابراین، دستور به استیدان، صراحت در وجود مرز دارد و با الغاء خصوصیت از ذکر اوقات سه‌گانه در این آیه، می‌توان چنین برداشت کرد که: مواقع خلوت در زمان‌ها، مکان‌ها، عرف‌ها و خانواده‌های مختلف می‌تواند متفاوت

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَصَوُّمُونَ لِيَأْبَئِكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ...﴾ (نور: ۵۸).
۲. ﴿...لَسْكَتُوا إِلَيْهَا...﴾ (روم: ۲۱)؛ ﴿...هِنَّ لِيَأْسَ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَأْسَ لَهُنَّ...﴾ (بقره: ۱۸۷)؛ ﴿...رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ...﴾ (فرقان: ۷۴).

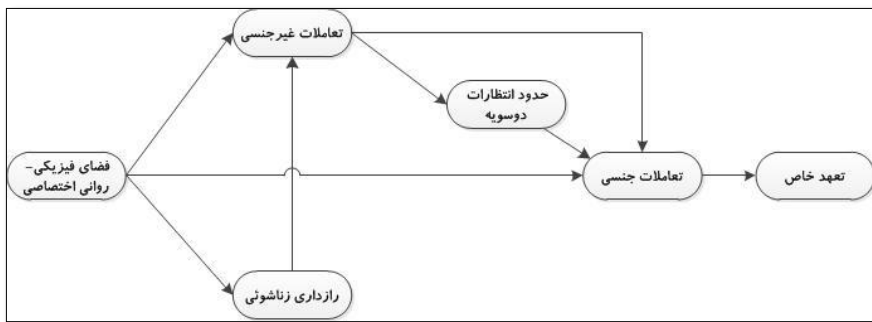
باشد، اما وجود خلوت و تعاملات آرامش‌زای عاطفی-جنسی نظام‌مند جزو ضروریات زیرمنظومه زوجینی است و آیه شریفه به وجود نظم و انتظام در روابط زناشویی اشعار دارد. پایبندی به این حریم و مرز روشن زوجینی برای ارضای نیازهای عاطفی-جنسی، حصول حمایت‌های عاطفی طرفینی و همچنین تعاملات، تصمیم‌گیری‌ها و حل مشکلات خصوصی آنان ضروری است. چرا که دستیابی به آثار و برکات زوجیت؛ مانند آرامش و صمیمیت، پوشاندگی و شادمانی و رضایت در سایه چنین مرزی ممکن خواهد بود و عدم پایبندی به آن، یکی از عوامل مهم گسست خانواده می‌باشد.

بر اساس آیات قرآن کریم، آرامش نهایی محصول؛ معاشرت نیکوی دائمی، بیان زبانی محبت و دوستی و تلاش برای تأمین نیازهای طرفینی است. بنابراین، پیوستگی عاطفی و محبت شرط لازم تداوم زندگی زناشویی است، اما کافی نیست. نتایج بسیاری از تحقیقات نشان داده است که ضعف رابطه جنسی زوجین و میزان عشق بین آنان پیش‌بین قوی روابط فرازناشویی است. برخی اندیشمندان اسلامی نیز تأکید کرده‌اند که پایبندی به مرزهای زوجینی به‌ویژه زمان و مکان اختصاصی، باعث ایجاد مودت بین زوجین خواهد شد، چرا که در این زمان‌ها، جنبه همسری زوجین بیشتر بروز پیدا می‌کند. ابن‌سینا در این مورد گفته است: پایه خانواده محبت است و محبت به‌وسیله الفت حاصل می‌شود و الفت حاصل نمی‌شود مگر با عادت، که یکی از شرایط حصول عادت و وابستگی؛ طول آمیزش و معاشرت پسندیده است. بنابراین، زوجین باید برای ایجاد، استحکام و تداوم محبت و بهبود کیفیت روابط عاطفی-جنسی؛ لزوم فضای روانی-فیزیکی اختصاصی را درک کنند، زمان و مکان خاصی را برای تعاملات عاطفی-جنسی خود برنامه‌ریزی نمایند و آن را به اعضای خانواده آموزش دهند.

دو مورد از آسیب‌های این فضای اختصاصی؛ تنیدگی مرزهای درونی خانواده و گسستگی این مؤلفه مهم مرز زوجینی است. غیبت طولانی‌مدت و مستمر یکی از زوجین زمینه‌ساز گسستگی این زیرمنظومه و مرز مهم خواهد شد. عدم حضور همسر در منزل به‌صورت طولانی‌مدت به دلیل شیفت کاری، مأموریت، مسافرت، قهر، زندان و مانند آن نیز می‌تواند این مرز مهم زوجینی و سایر مرزهای خانواده را دچار آسیب کرده و بنیان خانواده را سست گرداند. در بسیاری از تحقیقات، عدم حضور طولانی‌مدت همسر در منزل یکی از علل طلاق و روابط فرازناشویی گزارش شده است. یکی دیگر از مشکلات مرتبط با این مؤلفه، تنیدگی فضای فیزیکی و محل خواب اعضای خانواده می‌باشد، بدین‌صورت که والدین و فرزندان در کنار یکدیگر می‌خوابند و یا حضور آنان باعث جدایی محل خواب والدین می‌شود. این امر مؤلفه فضای روانی-فیزیکی اختصاصی را تهدید کرده و فرصت روابط عاطفی-جنسی را از همسران می‌گیرد.



چنانچه بیان شد، بر اساس یک برداشت قرآنی و تحلیل محقق، میان این مؤلفه‌ها رابطه‌ای قابل تصور است و مسیر تعهد خاص زناشویی از فضای روانی-فیزیکی اختصاصی شروع و با تحقق سایر مؤلفه‌ها، دست‌یافتنی خواهد بود. بنابراین، فضای روانی-فیزیکی اختصاصی زوجین علاوه بر اینکه در نهایت زمینه‌ساز تعهد خاص زوجینی می‌شود، سایر مؤلفه‌های مرز زوجینی را نیز سامان می‌بخشد. بر اساس این تحلیل نظری، پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل پیشنهادی پژوهش و بررسی میدانی برآزش آن سامان گرفت. بر اساس آنچه گفته شد، مدل این پژوهش بر اساس شکل ۱ تدوین شده است.



شکل (۱): مدل تحلیل مسیر پیشنهادی

روش پژوهش

هدف پژوهش بررسی روابط مؤلفه‌های مرزهای زوجینی بود و به روش تحلیل مسیر انجام شد. تحلیل مسیر در حقیقت کاربرد رگرسیون چندمتغیری است که در ارتباط با تدوین بارز مدل‌های علی، هدف آن به دست دادن برآوردهای کمی روابط علی بین مجموعه‌ای از متغیرها است. روابط بین متغیرها در یک جهت جریان می‌یابد و به‌عنوان مسیرهای متمایزی در نظر گرفته می‌شود. مفاهیم تحلیل مسیر از طریق ویژگی عمده آن یعنی نمودار مسیر که پیوندهای علی احتمالی بین متغیرها را آشکار می‌کند، تبیین می‌شود (هومن، ۱۳۹۱: ۴۵). بنابراین، پژوهش حاضر از نظر هدف، جزء تحقیقات کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، از نوع توصیفی-همبستگی است و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. تمامی مردان و زنان متأهل شهر قم جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دادند. تعیین حداقل حجم نمونه لازم برای پژوهش‌های مرتبط با مدل‌یابی ساختاری بسیار با اهمیت است. با وجود آنکه در مورد اندازه نمونه لازم برای تحلیل عاملی و

مدل‌های ساختاری توافق کلی وجود ندارد (شرایب^۱ و همکاران، ۲۰۰۶)، بر اساس قاعده سرانگشتی کلاین^۲ (۲۰۱۵)، به ازای هر مسیر مستقیم و غیرمستقیم می‌توان کمینه ۱۰ و بیشینه ۲۰ نفر را انتخاب کرد. از آنجا که این پژوهش دارای ۱۵ مسیر مستقیم و غیرمستقیم بود، حجم نمونه باید بین ۱۵۰ تا ۲۲۵ باشد. بر این اساس، ۲۱۰ پرسشنامه برای تحلیل داده‌ها تکمیل شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و LISREL استفاده شده است.

ابزار پژوهش

در این پژوهش از پرسشنامه مرزهای زوجینی خانواده استفاده شده است.

پرسشنامه مرزهای زوجینی خانواده: پرسشنامه ۶۶ سؤالی مرزهای زوجینی خانواده در سال ۱۳۹۹ توسط هوشیاری براساس آموزه‌های اسلامی ساخته و ویژگی‌های روان‌سنجی آن بررسی شده است. این پرسشنامه شش مؤلفه تعهد خاص زناشویی، مرزهای تعاملات جنسی زوجین، مرزهای تعاملات غیرجنسی زوجین، فضای روانی-فیزیکی اختصاصی، رازداری خانوادگی-زناشویی و حدود انتظارات دوسویه را اندازه‌گیری می‌کند. روایی ابزار با روش تحلیل عاملی تأیید و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ محاسبه شد.

برای بررسی روایی سازه و برآورد پارامترهای گویه‌ها، پرسشنامه ۶۶ گویه‌ای بر روی نمونه‌ای ۵۰۸ نفری از جامعه آماری اجرا شد. نتایج تحلیل عاملی، تأییدکننده روایی سازه پرسشنامه مرزهای زوجینی است و کلیه شاخص‌ها نشان‌دهنده برازش مناسب مدل تحلیل عاملی تأییدی این پرسشنامه هستند. به‌عنوان شاهدهی بر روایی سازه، میانگین نمره دو گروه از پاسخ‌گویان مقایسه شد. نتایج نشان داد که به‌صورت معناداری، میانگین نمره مرز در گروه پاسخ‌گویان دارای اختلال خانواده کمتر از میانگین نمره در خانواده‌های عادی است. پرسشنامه به خوبی توانسته بین دو گروه خانواده‌های عادی و دارای اختلال خانوادگی تفکیک قائل شود.

نمره‌گذاری گویه‌های این پرسشنامه به‌صورت لیکرت چهار درجه‌ای است؛ بنابراین، حداکثر نمره آزمودنی در این پرسشنامه ۲۶۴ و کمترین نمره ۶۶ است. نمره بالا در این پرسش‌ها، نشان‌دهنده مطابقت تعاملات آنان با معیارهای دینی، نگرش مثبت زوجین نسبت به یکدیگر و پایبندی آنان به قوانین اخلاقی و حقوقی زیرمنظومه زوجینی است و از بهنجار بودن مرزهای زوجینی حکایت می‌کند.

1. Schreiber.
2. Kline.



یافته‌های پژوهش

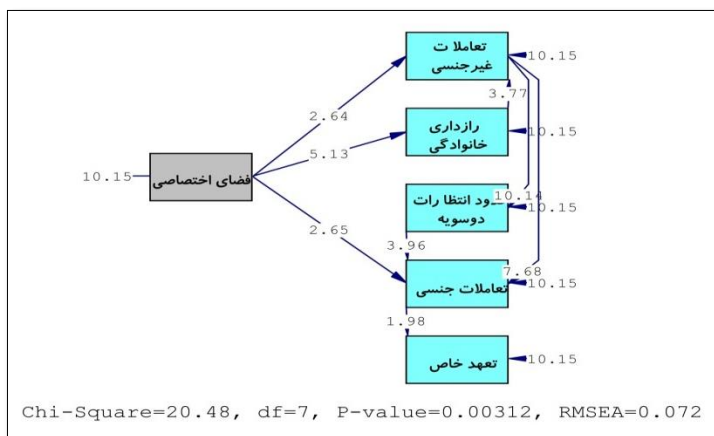
۹۵ نفر (۴۵/۲ درصد) پاسخ‌گویان مرد و ۱۱۵ نفر (۵۴/۸ درصد) زن بوده‌اند. ۵/۲ درصد پاسخ‌گویان کمتر از ۲۵ سال داشته‌اند. ۲۵/۵ درصد بین ۲۶ تا ۳۰ سال داشته‌اند. سن ۲۴/۸ درصد پاسخ‌گویان بین ۳۱ تا ۳۵ سال است و سن ۱۶/۵ درصد بین ۳۶ تا ۴۰ سال داشته‌اند و ۲۸ درصد نیز بیشتر از ۴۰ سال داشته‌اند. تحصیلات ۱۵/۳ درصد پاسخ‌گویان در حد دیپلم و کمتر بوده است. ۵/۳ درصد دارای تحصیلات کاردانی و ۲۸/۸ درصد دارای تحصیلات کارشناسی بوده‌اند. ۲۹/۹ درصد تحصیلات خود را در حد کارشناسی ارشد عنوان کرده‌اند و ۵/۳ درصد تحصیلات دکتری داشته‌اند. ۱۵/۴ درصد نیز عنوان کرده‌اند که دارای تحصیلات حوزوی هستند.

میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی متغیرهای تحقیق در جدول ۱ ارائه شده است. همبستگی میان همه متغیرهای تحقیق مثبت و معنادار است؛ همبستگی‌های بین متغیرهای تحقیق نشان‌دهنده انتخاب مناسب متغیرها در این پژوهش، بر اساس پیشینه و مبانی نظری پژوهش است. بنابراین، می‌توان از داده‌های تحقیق به منظور بررسی مدل مسیر تعهد خاص بر اساس مؤلفه‌های مرزهای زوجینی خانواده استفاده کرد.

جدول (۱): آمارهای توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرهای تحقیق

متغیرهای تحقیق	M	Std	۱	۲	۳	۴	۵
۱. فضای روانی-فیزیکی اختصاصی	۶/۷	۱/۹۸	۱				
۲. تعاملات غیرجنسی	۳۷/۹	۷/۰۵	۰/۳۷۵**	۱			
۳. رازداری خانوادگی	۲۷/۱	۲/۶۷	۰/۳۵۰**	۰/۴۷۸**	۱		
۴. حدود انتظارات دوسویه	۳۳/۹	۵/۳۷	۰/۲۳۵**	۰/۵۷۷**	۰/۴۲۸**	۱	
۵. تعاملات جنسی	۳۰/۷	۴/۲۴	۰/۳۴۰**	۰/۶۵۹**	۰/۴۷۸**	۰/۵۳۲**	۱
۶. تعهد خاص	۱۶/۵	۲/۰۲	۰/۲۰	۰/۲۹۰**	۰/۲۵۶**	۰/۴۰۳**	۰/۳۶۶**
**معنی‌داری در سطح ۰/۰۵							

نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان‌دهنده نرمال بودن متغیرهای تحقیق بود. ($P > 0.05$) برای بررسی همخطی چندگانه از آماره تحمل و عامل تورم واریانس استفاده شد که نتایج آن برای همه متغیرها، در آماره عامل تورم واریانس کمتر از ۱۰ و برای آماره تحمل بیشتر از ۰/۱ بود. همچنین برای آزمون پیش فرض استقلال خطی از آزمون دوربین-واتسون استفاده شد که مقدار آن بین ۱/۵ تا ۲/۵ بود. با توجه به رعایت مفروضه‌ها می‌توان برای بررسی مدل پیشنهادی تحقیق از تحلیل مسیر استفاده کرد. برای بررسی مدل مسیر تعهد خاص بر اساس مؤلفه‌های مرزهای زوجینی خانواده از تحلیل مسیر استفاده شده است. خروجی نرم‌افزار برای تحلیل مسیر آزمون شده در شکل ۲ ارائه شده است.



شکل (۲): نمودار تحلیل مسیر تعهد خاص بر اساس مولفه‌های مرزهای زوجینی خانواده شاخص‌های برآزش مدل ($R^2 = 0.49$, $NFI = 0.94$, $NNFI = 0.91$, $CFI = 0.96$, $IFI = 0.96$, $RMSEA = 0.07$) نشان‌دهنده مناسب بودن مدل تحلیل مسیر تعهد خاص بر اساس مولفه‌های مرزهای زوجینی خانواده است. جدول شماره ۲ ضرایب مسیر و اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول (۲): اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای تحقیق

R^2	اثر کل		اثر غیر مستقیم		اثر مستقیم		متغیرهای برونزا	متغیر درونزا
	t	ضریب استاندارد	t	ضریب استاندارد	t	ضریب استاندارد		
0.52	2/98	0/14	-	-	2/98	0/14	تعاملات جنسی	تعهد خاص
	2/77	0/13	2/77	0/13	-	-	حدود انتظارات دوسویه	
	2/95	0/62	2/95	0/62	-	-	تعاملات غیر جنسی	
	2/73	0/12	2/73	0/12	-	-	رازداری خانوادگی	
	2/82	0/14	2/82	0/14	-	-	فضای روانی-فیزیکی اختصاصی	
0.49	3/96	0/24	-	-	3/96	0/24	حدود انتظارات دوسویه	تعاملات جنسی
	11/58	0/62	3/69	0/14	7/68	0/48	تعاملات غیر جنسی	
	3/59	0/16	3/59	0/16	-	-	رازداری خانوادگی	
0.33	4/68	0/30	3/80	0/17	2/65	0/14	فضای روانی-فیزیکی اختصاصی	حدود انتظارات دوسویه
	10/14	0/58	-	-	10/14	0/58	تعاملات غیر جنسی	
	3/53	0/15	3/53	0/15	-	-	رازداری خانوادگی	
	3/74	0/16	3/74	0/16	-	-	فضای روانی-فیزیکی	



		اختصاصی							
۰/۱۳	۳/۷۷	۰/۲۶	-	-	۳/۷۷	۰/۲۶	رازداری خانوادگی	تعاملات غیر جنسی	
	۴/۰۲	۰/۲۷	۳/۰۴	۰/۰۹	۲/۶۴	۰/۱۸	فضای روانی-فیزیکی اختصاصی		
۰/۱۱	۵/۱۳	۰/۳۴	-	-	۵/۱۳	۰/۳۴	فضای روانی-فیزیکی اختصاصی	رازداری خانوادگی	

همان‌گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، رابطه مستقیم تعاملات جنسی و تعهد خاص مثبت و معنادار است. تعهد خاص با متغیرهای حدود انتظارات دوسویه، تعاملات غیر جنسی، رازداری خانوادگی و فضای روانی-فیزیکی اختصاصی، رابطه غیر مستقیم دارد که مسیرهای غیر مستقیم مذکور نیز مثبت و معنادار است. متغیرهای مذکور در مجموع از طریق مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم، ۵۲ درصد واریانس متغیر تعهد خاص را تبیین می‌کنند.

متغیر حدود انتظارات دوسویه با متغیر تعاملات جنسی به صورت مستقیم ارتباط دارد که ارتباط مذکور مثبت و معنادار است. مسیر غیر مستقیم رازداری خانوادگی به تعاملات جنسی نیز مثبت و معنادار است. مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای تعاملات غیر جنسی و فضای روانی-فیزیکی اختصاصی به تعاملات جنسی نیز مثبت و معنادار است. متغیرهای مذکور در مجموع ۴۹ درصد واریانس تعاملات جنسی را تبیین کرده‌اند.

مسیر مستقیم متغیر تعاملات غیر جنسی به حدود انتظارات دوسویه مثبت و معنادار است. از متغیرهای رازداری خانوادگی و فضای روانی-فیزیکی اختصاصی به متغیر تعاملات غیر جنسی تنها مسیر غیر مستقیم وجود دارد که مسیر مذکور مثبت و معنادار است.

رازداری خانوادگی با متغیر تعاملات غیر جنسی به صورت مستقیم و با متغیر فضای روانی-فیزیکی اختصاصی به صورت مستقیم و غیر مستقیم رابطه دارد که روابط مذکور مثبت و معنادار است. این دو متغیر در مجموع ۱۳ درصد واریانس متغیر تعاملات غیر جنسی را تبیین می‌کنند.

رازداری خانوادگی به صورت مستقیم با فضای روانی-فیزیکی اختصاصی ارتباط دارد که ارتباط مذکور مثبت و معنادار است. این متغیر به تنهایی ۱۱ درصد واریانس رازداری خانوادگی را تبیین می‌کند.

نتیجه‌گیری

بر اساس تحلیل کیفی محتوای متون دینی، مؤلفه‌های مرز زوجینی به صورت تعهد خاص زناشویی، حدود تعاملات جنسی زوجین، حدود تعاملات غیر جنسی زوجین، فضای روانی-فیزیکی اختصاصی، رازداری خانوادگی و زناشویی و حدود انتظارات دوسویه (حقوق و تکالیف) تعریف شده است. از سوی دیگر، بر اساس تفسیر روان‌شناختی آیه ۵۸ سوره مبارکه نور مشخص شد، مؤلفه فضای روانی-فیزیکی اختصاصی زوجینی در بین مؤلفه‌های مرز زوجینی دارای اهمیت و جایگاه مهم و وزن

بیشتری است و به یک معنا، برای سایر مؤلفه‌های مرز زوجینی نقش زیربنایی دارد. از آنجاکه تعهد خاص زوجینی هدف غایی و مؤلفه نهایی این زیرمنظومه است و فضای روانی-فیزیکی اختصاصی نیز زیربنایی آن به حساب می‌آید، مؤلفه‌های دیگر نقش واسطه‌ای دارند. بدین معنا که نیل به هدف غایی (تعهد خاص زوجینی) از مرز فضای روانی-فیزیکی اختصاصی شروع می‌شود و از مسیر سایر مؤلفه‌ها به تعهد خاص زوجینی ختم می‌شود. بنابراین، در صورت مطلوبیت فضای روانی-فیزیکی اختصاصی، سایر مؤلفه‌ها سامان یافته و هدف غایی مرزبندی‌های زوجینی یعنی تعهد خاص زناشویی حاصل می‌شود.

یافته‌های کمی پژوهش در بخش تحلیل مسیر، یافته‌های بخش کیفی و مدل پیشنهادی را تأیید کرد و نشان داد؛ تعهد خاص زناشویی حاصل مطلوبیت تعاملات جنسی و غیر جنسی زوجین، رازداری خانوادگی و زناشویی و ادای حقوق و تکالیف زوجینی (حدود انتظارات دوسویه) است و مطلوبیت فضای روانی-فیزیکی اختصاصی، زمینه و شرط لازم سامان‌یابی امور زوجینی مذکور است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، مدل پیشنهادی روابط بین مؤلفه‌های مرزهای زوجینی مورد تأیید قرار گرفت. یافته مذکور نشان می‌دهد فضای روانی-فیزیکی اختصاصی به صورت مستقیم با رازداری خانوادگی ارتباط دارد که ارتباط مذکور مثبت و معنادار است. مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای فضای روانی-فیزیکی اختصاصی و رازداری خانوادگی با متغیر تعاملات غیرجنسی مثبت و معنادار است. مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای فضای روانی-فیزیکی اختصاصی، تعاملات غیرجنسی و رازداری خانوادگی به حدود انتظارات دوسویه مثبت و معنادار است. مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیر تعاملات جنسی با متغیرهای فضای روانی-فیزیکی اختصاصی، حدود انتظارات دوسویه، تعاملات غیرجنسی و رازداری خانوادگی مثبت و معنادار است. متغیرهای مذکور در مجموع ۴۹ درصد واریانس تعاملات جنسی را تبیین کرده‌اند. همه مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم تعهد خاص زناشویی با فضای روانی-فیزیکی اختصاصی، تعاملات جنسی، حدود انتظارات دوسویه، تعاملات غیرجنسی و رازداری خانوادگی مثبت و معنادار است. متغیرهای مذکور در مجموع از طریق مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم، ۵۲ درصد واریانس متغیر تعهد خاص را تبیین کرده‌اند.

در نهایت، بر اساس یافته‌های کیفی و کمی پژوهش می‌توان گفت: فضای روانی-فیزیکی اختصاصی همچنان‌که در آیه ۵۸ سوره مبارکه نور مورد تأکید قرار گرفته، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و شرط لازم دست‌یابی به تعهد خاص زناشویی و سایر متغیرهای میانجی است. از این رو، به خانواده‌ها، همسران و مشاوران خانواده و زوج‌درمانگران، پیشنهاد می‌شود برای بهبود روابط زوجینی، افزایش رضایتمندی زناشویی، کاهش تعارضات زوجینی، پیشگیری از تعارضات و روابط فرازناشویی و طلاق؛ نسبت به بهبود و بهنجارسازی مرزهای زوجینی به‌ویژه مرز فضای روانی-فیزیکی اختصاصی اقدام نمایند.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران: دارالقرآن کریم دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۹۵.
۲. آریست فون شلیپه و یوخن شوایتزر، آموزش درمان و مشاوره سیستمی، ترجمه سعید پیرمرادی، اصفهان: همام، ۱۳۸۰.
۳. افشاری نژاد رودسر، محمدجواد؛ ثنایی، باقر؛ برجعلی، محمود، مطالعه دیدگاه خانواده درمانی مینوچین بر اساس تفسیر المیزان: مطالعه کیفی، اولین کنگره ملی روان‌شناسی خانواده گامی در ترسیم الگوی مطلوب خانواده، نمایه در سیویلیکا، ۱۳۹۳.
۴. تبریزی، مصطفی؛ دیبائیان، شهرزاد؛ کاردانی، مژده و جعفری، فروغ، فرهنگ توصیفی خانواده و خانواده درمانی، تهران: فراوان، ۱۳۸۹.
۵. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹.
۶. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلی الصواب، قم: انتشارات رضی، ۱۴۱۲.
۷. زیمون، ف. ج، کلمنت، اولریش، اشتیرلین، هلم، مفاهیم و تنوری‌های کلیدی در خانواده، ترجمه سعید پیرمرادی، تهران: همام، ۱۳۸۲.
۸. صدوق، محمد بن علی، امالی، قم: ارمغان طوبی، ۱۴۰۳.
۹. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳.
۱۰. طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: انتشارات آل البيت، ۱۴۰۸.
۱۱. فیض کاشانی، ملامحسن، الأصفی فی تفسیرالقرآن، چاپ سوم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۴۱۸.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴.
۱۴. مینوچین، سالوادر، خانواده و خانواده درمانی، ترجمه باقر ثنایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶.

۱۵. نیکلز، مایکل پی و شوارتز، ریچارد سی، خانواده درمانی (مفاهیم و روش‌ها)، ترجمه محسن دهقانی و همکاران، تهران: نشر دانژه، ۱۳۸۹.

۱۶. هوشیاری، جعفر و صفورایی پاریزی، محمد مهدی، «ارزیابی مرزهای خانواده در روان‌شناسی از نگاه قرآن»، مقالات همایش علمی بین‌المللی سبک زندگی قرآنی، کراچی پاکستان، ۱۳۹۷.

۱۷. هوشیاری، جعفر. صفورایی، محمد مهدی، جزایری، سید حمید، تقیان، حسن، تبیین مرزهای خانواده بر اساس قرآن کریم و ساخت پرسشنامه سنجش آن، رساله دکتری، قم: مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی، ۱۳۹۹.

۱۸. هومن، حیدرعلی، مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل، تهران: سمت، ۱۳۹۱.

19. Colapinto J. Structural Family therapy. In Handbook of Family Therapy. Vol. II. A.S.Gurman and D.P. Kniskern. Eds, New York: Brunner/Mazel, 1991.
20. Kline, R. B. Principles and practice of structural equation modeling, New York: Guilford publications, 2015.
21. Schreiber, J. B., Nora, A., Stage, F. K., Barlow, E. A., & King, J. Reporting structural equation modeling and confirmatory factor analysis results: A review, The Journal of educational research, 99(6), 323-338, 2006.



References

1. *The Noble Quran*, Translated by Nāṣir Makārim Shīrāzī, Tehran: Dār al-Qur'ān al-Karīm, Daftar-i Muṭāla'āt-i Tārīkh va Ma'arīf-i Islāmī (Office of Historical and Islamic Studies), 1395 SH (2016 CE).
2. Afshārī Nezhād Rūdsarī, Moḥammad Jawād; Thānā'ī, Bāqir; Barja'alī, Maḥmūd, *Muṭāla'ah-yi Dīdgāh-i Khānavādah Darmānī-yi Mīnūchīn bar Asās-i Tafṣīr al-Mīzān: Muṭāla'ah-yi Kayfī (A Study of Minuchin's Family Therapy Perspective Based on the Interpretation of Al-Mizan: A Qualitative Study)*, Avvalīn Kungrih-yi Millī-yi Ravān Shināsī-yi Khānavādah, Gāmī dar Tarṣīm-i Ulgū-yi Maṭlūb-i Khānavādah (First National Congress on Family Psychology: A Step Toward Drawing the Ideal Family Model), Indexed in Civilica, 1393 SH (2014 CE).
3. Arist von Schlippe and Jochen Schweitzer, *Āmūzish-i Darmān va Mushāviri-yi Sīstamī (Systemic Therapy and Counseling)*, Translated by Sa'īd Pīrmarādī, Isfahan: Hamām (Hamam Publications), 1380 SH (2001 CE).
4. Colapinto J, *Structural Family therapy*. In Handbook of Family Therapy. Vol. II. A.S.Gurman and D.P. Kniskern. Eds, New York: Brunner/Mazel, 1991.
5. Daylamī, Ḥasan ibn Moḥammad, *Irshād al-Qulūb ilā al-Ṣawāb (Guidance of Hearts to the Right Path)*, Qom: Intishārāt-i Raḍī (Razi Publications), 1412 AH (1991 CE).
6. Fayḍ Kāshānī, Mullā Muḥsin, *Al-Aṣfā fī Tafṣīr al-Qur'ān (The Purest in the Interpretation of the Quran)*, 3rd Edition, Qom: Intishārāt-i Daftar-i Tablīghāt (Office of Preaching Publications), 1418 AH (1997 CE).
7. Hūman, Ḥaydar 'Alī, *Model Yābī-yi Mu'ādilat-i Sākhtārī bā Kārburd-i Narm Afzār-i Līzrl (Structural Equation Modeling Using LISREL Software)*, Tehran: SAMT, 1391 SH (2012 CE).
8. Ḥurr al-'Āmilī, Moḥammad ibn al-Ḥasan, *Wasā'il al-Shī'ah ilā Taḥṣīl Maṣā'il al-Sharī'ah (The Means of the Shia for Attaining the Issues of the Sharia)*, Edited by Mu'assasah Āl al-Bayt (Aal al-Bayt Institute), Qom: Mu'assasah Āl al-Bayt (Aal al-Bayt Institute), 1409 AH (1988 CE).
9. Hūshyārī, Ja'far and Ṣafūrā'ī Pārīzī, Moḥammad Maḥdī, "Arzyābī-yi Marz-hā-yi Khānavādah dar Ravān Shināsī az Nigāh-i Qur'ān" (Evaluating Family Boundaries in Psychology from the Perspective of the Quran), Maqālāt-i Hamāyish-i 'Ilmī-yi Bayn al-Milālī-yi Sabk-i Zindagī-yi Qur'ānī (Articles from the International Scientific Conference on Quranic Lifestyle), Karachi, Pakistan, 1397 SH (2018 CE).
10. Hūshyārī, Ja'far; Ṣafūrā'ī, Moḥammad Maḥdī; Jazā'irī, Sayyid Ḥamīd; Taqīyān, Ḥasan, *Tabyīn-i Marz-hā-yi Khānavādah bar Asās-i Qur'ān-i Karīm va Sākht-i Purshnāmāh-yi Sanjish-i Ān (Explaining Family Boundaries Based on the Noble Quran and Developing a Questionnaire to Measure It)*, Doctoral Dissertation, Qom: Mujtama' al-Ālī-yi 'Ulūm-i Insānī-yi Islāmī, Jāmi'ah al-Muṣṭafā (Al-Mustafa International University), 1399 SH (2020 CE).

11. Kline, R. B. *Principles and practice of structural equation modeling*, New York: Guilford publications, 2015.
12. Kulaynī, Moḥammad ibn Ya'qūb, *Al-Kāfi (The Sufficient)*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah (Islamic Books Publishing House), 1412 AH (1991 CE).
13. Majlisī, Moḥammad Bāqir, *Biḥār al-Anwār (Oceans of Lights)*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah (Islamic Books Publishing House), 1404 AH (1984 CE).
14. Minuchin, Salvador, *Khānavādah va Khānavādah Darmānī (Family and Family Therapy)*, Translated by Bāqir Thānā'ī, Tehran: Amīr Kabīr (Amir Kabir Publications), 1386 SH (2007 CE).
15. Nichols, Michael P. and Schwartz, Richard C., *Khānavādah Darmānī (Maḥāhīm va Ravesh-hā) (Family Therapy: Concepts and Methods)*, Translated by Muḥsin Dihqānī and Colleagues, Tehran: Nashr-i Dānījīh (Danjeh Publications), 1389 SH (2010 CE).
16. Ṣadūq, Moḥammad ibn 'Alī, *Al-Amālī (The Dictations)*, Qom: Armaghān-i Tūbā (Armaghan-e Tuba Publications), 1403 AH (1983 CE).
17. Ṣadūq, Moḥammad ibn 'Alī, *Man Lā Yaḥduruh al-Faqīh (For Whom There Is No Jurist Present)*, Qom: Jāmi'ah-yi Mudarrisīn (Society of Seminary Teachers), 1413 AH (1992 CE).
18. Schreiber, J. B., Nora, A., Stage, F. K., Barlow, E. A., & King, J., *Reporting structural equation modeling and confirmatory factor analysis results: A review*, The Journal of educational research, 99(6), 323-338, 2006.
19. Simon, F. J., Clement, U., and Stierlin, H., *Maḥāhīm va Te'orī-hā-yi Klīdī dar Khānavādah (Key Concepts and Theories in Family Therapy)*, Translated by Sa'id Pirmarādī, Tehran: Hamām (Hamam Publications), 1382 SH (2003 CE).
20. Ṭabarsī, Husayn, *Mustadrak al-Wasā'il wa Mustanbat al-Masā'il (The Supplement to the Means and the Derived Issues)*, Qom: Intishārāt-i Āl al-Bayt (Aal al-Bayt Publications), 1408 AH (1987 CE).
21. Tabrizī, Muṣṭafā; Dībā'īyān, Shahrzād; Kārdānī, Muzhdah; and Ja'farī, Furūgh, *Farhang-i Tawṣīfī-yi Khānavādah va Khānavādah Darmānī (Descriptive Dictionary of Family and Family Therapy)*, Tehran: Farā Ravān (Fara Ravan Publications), 1389 SH (2010 CE).